

عبدالوهاب قائم مقامی

استاد محترم آقای مدرسی چهاردهمی سالیان درازی است که در رشته های تاریخی و ادبی آثار ارزنده ای از خود بیادگار گذاشته و چند جلد از تاریخ معاصر ایشان بنام ۱ - زندگانی و فلسفه سید جمال الدین افغانی ۲ - آراء و معتقدات سید جمال الدین افغانی ۳ - سیمای بزرگان ۴ - تاریخ فلاسفه اسلام در ۲ جلد ۵ - زندگانی و فلسفه حاج ملا هادی سبزواری ۶ - زندگانی شیخ احمد احسائی چاپ گردیده ، و اینک شرح احوال و آثار مرحوم سید عبدالوهاب قائم مقامی عضو فاضل و وارسته انجمن ادبی حکیم نظامی را که بخط و قلم خود نگاشته با يك قطعه از عکس جوانی وی را از دوره تألیفات تاریخی و ادبی آقای مدرسی که در دست تألیف دارند برای خوانندگان گرامی ارمغان نقل مینمائیم .

ارمغان

انا ابن جلا و طلاع اثنایا متی اضع العمامة نعرفونی

من بنده نام عبدالوهاب الحسینی القایم مقامی الفراهانی بن مرحوم میرزا علی محمد خان سید الوزراء ابن مرحوم میرزا علی قایم مقام بن مرحوم میرزا ابوالقاسم قایم مقام سید الوزراء اتابک صدراعظم بن مرحوم میرزا بزرگ قایم مقام شیدالوزراء رحمة الله علیهم اجمعین که نسیم بسی و نه ۳۹ پشت بحضرت امام زین- العابدین علی بن الحسین علیه السلام میرسد در ماه ذالقعده الحرام سنه ۱۲۹۹ هجری قمری که آفتاب در اسد و ماه در میزان بود در شهر طهران متولد شده و تا قرب بیست و هشت سال در کنف تربیت پدر خود روزگار گذرانیده درجه معلومات و قلمی اطلاعاتم از تحریر چند سطر مشخص و هویدا و مشهود است .

با بی هنری چند هنر بفروشم خر مهره بقیمت گهر بفروشم



عبدالوهاب قائم مقامی پس از يك عمر با کدامنی و وارستگی و کسب دانش و فضیلت در اردیبهشت ماه گذشته بسرای جاودانی شتافت و دوستان و آشنایان بریژه اعضای انجمن ادبی حکیم نظامی که همواره قدومش را در انجمن گرمی میشمردند متأثر و اندوهگین ساخت.

ترسم که کند آتش رسوائی دود تا کی بکسان هیزم تر بفروشم
 خلاصه زندگی این بنده از اینقرار است و مراتب ذیل را در مدت دوره خدمت دولت ایران پیموده است.

در سن بیست و پنج سالگی جزء جرگه درباریان منسلک گردیده و در زمره پیشخدمان و سمت عکاس باشی ولایت عهدی مرحوم سلطان احمد شاه قاجار مفتخر آمد و تا اوایل سنه ۱۳۲۷ هجری قمری بدین سمت برقرار بود.

و از تاریخ سنه ۱۳۲۸ در اداره کل اوقاف که بدو تأسیس آن بود داخل شده و مشغول خدمت گردیده و تا سنه ۱۳۳۱ در آن اداره انجام وظیفه مینمود .
و سپس بسردبیری روزنامه رسمی آفتاب که جزو وزارت کشور بود برقرار گردیده و چندی مشغول اینکار بود .

بعد از آن مجدداً بوزارت فرهنگ بواسطه تعطیل روزنامه مذکور منتقل گشته و تا سنه ۱۳۵۰ هجری قمری مطابق سنه ۱۳۰۹ هجری شمسی مشغول انجام وظیفه بود .

و سپس در آن تاریخ بر حسب تقاضای اداره صحیه کل (وزارت بهداشتی) منتقل و تا این تاریخ ۱۳۶۳ ق. ۱۳۲۳ ش. در آنوزرتخانه بسمت مدیریت رمز و محرمانه مشغول خدمت میباشم .

گاهی که از گرفتاری اداری و روزگار فراغتی حاصل میگردد خود را بتحریر کتابی مشغول میساخت که تا حریفان دغا را بجهان کم بینم .
پریشان نامه هائیکه در ظرف اینمدت نوشته و تألیف و تصنیف نموده از اینقرار است .

۱- متمع تاریخ نادرشاه افشار تألیف جمس فریزر انگلیسی ترجمه ابوالقاسم خان ناصرالملک قراگوزلو (در روزنامه طوفان فرخی یزدی بطبع رسیده است).

۲- جغرافیای عمومی بسیار مفصل . (بطبع رسیده است)

۳- تاریخ جنگ روس و ژاپن که بتصدیق و بامضای نماینده سیاسی دولت ژاپن مقیم دربار طهران رسیده است . (بطبع رسیده است)

۴- تاریخ و سرگذشت خانواده خود عموماً و مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام جد خود خصوصاً بر حسب دستور و تقاضای آکادمی لنین گراد (بطبع رسیده است)

۵- رساله در فن تیراندازی موسوم بتیر و کمان مشتمل بر دو جنبه یکی

جنبه فنی که ترتیب ساختن و انداختن و مشق تیر و کمان است و دیگر جنبه ادبی که کنایات و تشبیهات و تمثیلات و استعارات راجع بتیر و کمان را توضیح داده و تفسیر و تعریف نموده است بضمیمه قصص و حکایات و امثال راجع بآن که نیز بدستور آکادمی لنین گراد تصنیف شده و هر دو کتاب در آنجا ترجمه و طبع شده است . (در ایران بطبع رسیده است)

۶- رساله در القاب عرب موسوم بذواذواء مشتمل بر قریب هفتصد ماده با شواهد و قصص راجع بآن . (بطبع نرسیده است)

۷- مختصری از شرح احوال فردوسی بر حسب تقاضای میرزا یانس نماینده ارمنه که باره‌نی ترجمه و بطبع رسیده است .

اگرچه این بنده بر حسب ارث طبع شعر را باید از جد خود بمیراث برده باشد زیرا اغلب بل اکثر نتاج مرحوم قایم مقام دارای طبع شعر و حسن خط میباشند ولی چون این بنده از آن اجرام سماوی میباشد که در منتهای بعد از شمس (جد خود مرحوم قایم مقام) واقع گشته و بواسطه عدم افاضه نور خورشید تاریک و بی بهره مانده لذا از سایر اقربای خود سهم و بخشی کمتر برده است و بهمین جهت از خجالت چکامه سرایان و شعرای زمان تخلص برای خود انتخاب نکرده است لذا با کمال شرمندگی چند بیتی از کلمات غیر موزون که بشکل نظم درآورده است مینگاراد امید است که ارباب بینش و سخن‌سنجان بر این بنده ناچیز خرده نگیرند.

فی الموعظه

خانه خود که در او روح شود از تنگی

خسته صد مرتبه بهتر بود از قصر رفیع

جامه کهنه خود با دل شاد از پوشی

هست بهتر ز دو صد جامه زربفت بدیع

نان خشک گیده خود خور که بود بهتر از آن
 گر خوری مائده از سفره و هر خوان وسیع
 آب از کوزه خود خور که اگر باشد گرم
 هست بهتر که بنوشی ز تقیع آب تقیع
 بخر لنگ خود از بار نهی به باشد
 تا که بر استر عاریه رهوار سریع
 بخت را همسر خود جوی که اندر عالم
 هیچکده دختر سلطان نشود یا تو ضجیع
 باده نوشیدن بالاله رخان خوش باشد
 خاصه اندر لب جو طرف چمن فصل ربیع
 لیک چندانکه ترا باز ندارد از کار
 هست بهتر که کنی دوری ازین فعل شنیع
 تکیه بر دانش خود ساز تو کل بخدا
 تا نگر دی بر دونان متوسل بشنیع

۱۳۶۳ ذالحجّة الحرام ۱۳۲۳/۹/۱

عبدالوهاب الحسینی قائم مقامی

می بر کنار سبزه و گل بر کنار آب

گویند بهر دیده ودل داروی نکوست

باشد نکو ولی همه خوبی و خرمی

جمعیت انداز آنکه دلت دوستدار اوست

ابن یمین